

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه شانزدهم)

مقدمه

در جلسه‌ی گذشته گفتیم که شجره‌ی مبارکه‌ی حضرت ابراهیم مسئله‌ی مهمی است که باید به آن توجه کرد. خدا وعده داده است که جمیع امت‌های جهان به واسطه‌ی ذریه‌ای که از ایشان به وجود خواهد آمد، برکت خواهند یافت.

نورِ علی نور

در ادامه‌ی بحث به تفسیر آیه‌ی نور در سوره‌ی نور خواهیم پرداخت. تفسیر و فهم این آیه، مانند بسیاری دیگر از آیات قرآن علاوه بر توجه به روایات، نیازمند توجه و تسلط به عهدین است. کتاب زکریا باب چهارم به شرح خواب حضرت زکریا می‌پردازد: «فرشته‌ای که با من صحبت می‌کرد، مرا مثل شخصی که خوابیده باشد، بیدار کرد؛ سپس از من پرسید چه می‌بینی؟ جواب دادم چراغانی از طلا می‌بینم که هفت چراغ دارد و بر سر آن روغندانی است که به وسیله‌ی هفت لوله‌ای که به آن متصل است به آنها روغن می‌رساند؛ همچنین دو درخت زیتون می‌بینم، یکی در راست (شرق) و دیگری در چپ (غرب) چراغدان قرار دارد؛ سپس از فرشته پرسیدم: "ای سرورم آنها چیستند و چه معنایی دارند؟..." گفت: "این هفت چراغ نشانه‌ای هستند از چشمان خداوند که همه جای دنیا را زیر نظر دارند" سپس پرسیدم "آن دو درخت زیتون دو طرف چراغدان و آن دو شاخه‌ی زیتون کنار دو لوله‌ی طلا که از آنها روغن می‌ریزد چه هستند؟..." آنگاه او به من گفت: "آنها نشانه‌ی دو مردی هستند که خداوند مالکِ تمامی جهان، آنها را برگزیده و مسح کرده تا او را خدمت کنند." در واقع این بخش جزء پیشگویی‌های کتاب مقدس است. خدا در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی نور به این بخش از کتاب مقدس پاسخ می‌دهد: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ

يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ، نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پُر فروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره‌ی فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پُر برکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی، (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود، نوری است بر فراز نوری و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند و خداوند به هر چیزی داناست.» صالح بن سهل همدانی گوید از امام صادق شنیدم که درباره‌ی «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ» می‌فرمود: «مِشْكَاهٌ» فاطمه است «فِيهَا مِصْبَاحٌ» مصباح حسن و حسین هستند «فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» گویی فاطمه ستاره‌ای درخشان در بین زنان زمین است، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» از شجره‌ی ابراهیم نور می‌گیرد و برافروخته می‌شود «لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» یعنی نه یهودی است و نه مسیحی است «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» نزدیک است که چشمه‌های علم از آن بجوشد «وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» مراد از نور علی نُور، امامی بعد از امامی دیگر است، «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» یعنی خداوند به سوی ائمه هدایت می‌کند هر کس را که بخواهد او را وارد نور ولایت آنها می‌گرداند «يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۰۴)

این روایت تعبیر نسلی بود در جای دیگر معصوم تفسیر علمی برای این آیه گفته‌اند. فضیل بن یسار گوید از امام صادق در مورد «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» پرسیدم و ایشان در جواب فرمود: «خداوند عزوجل همینگونه است. در مورد «مَثَلُ نُورِهِ» پرسیدم، فرمود: «مراد محمد است» گفتم: «کَمِشْكَاهٍ؟» فرمود: «سینه‌ی محمد» گفتم: «فِيهَا مِصْبَاحٌ» فرمود: «در آن نور علم است؛ یعنی همان نبوت» گفتم: «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ؟» فرمود: «علم رسول خدا است که به سوی علی جاری گشت» گفتم: «كَأَنَّهَا» فرمود: «چرا «كَأَنَّهَا» می‌خوانی؟» عرض کردم: «جانم فدایت پس چگونه بخوانم؟» فرمود: «كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، عرض کردم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» فرمود: «مراد، علی بن ابوطالب است که نه یهودی است و نه نصرانی» گفتم: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ؟» فرمود: «نزدیک است که علم از دهان عالم آل محمد خارج شود قبل از آنکه درباره‌ی آن زبان بگشاید، گفتم: «نُورٌ عَلَى نُورٍ؟» فرمود: «امامی در پی امام دیگر» (بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۵)

پس شرق یعنی مسیحیت و غرب، یهودیت. خدا گاهی تقدم و تأخر را زمانی استفاده می‌کند؛

اما اگر خیلی مهم باشد آن را جابه‌جا می‌کند اما در صحبت از یهودیت و مسیحیت به دلیل تأخر و تقدم زمانی ابتدا یهودیت را می‌گوییم سپس مسیحیت را [به علاوه در صحبت از شرق و غرب، محل طلوع خورشید را بر محل غروب آن مقدم می‌کنیم به همین دلیل در آیه، مسیحیت پیش از یهودیت ذکر شده است. در روایت به ما آموخته‌اند که شرق (در آیات قرآن) یعنی مسیحیت و غرب یعنی یهودیت. آیا از خود قرآن هم می‌توان به این مطلب رسید؟ پاسخ مثبت است.

نه شرقی، نه غربی

حالا برویم سراغ بررسی معنای شرقی و غربی براساس خود قرآن، خب ببینیم مسیحیت کی به وجود آمد؟ وقتی پیامبر آنها آمد. حضرت عیسی کی پیامبر شد؟ ایشان از بدو تولد پیامبر بود. خدا در آیه ۱۶ سوره‌ی مریم می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرْیَمَ اِذِ انتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَکَانًا شَرْقِیًّا»؛ «و در این کتاب (آسمانی) مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه‌ی شرقی (بیت‌المقدس) قرار گرفت» این مکان شرقی، محل تولد و آغاز پیامبری حضرت عیسی است. توجه کنید که بعضی از آیات قرآن مؤید و مفسر یکدیگرند؛ اگر جز این بود ذکر کلمه‌ی «مَکَانًا شَرْقِیًّا» در قرآنی که بنای قصه‌گویی ندارد و کتابی موجز است چه معنا و دلیلی دارد؟ یهودیت کجا به وجود آمد؟ در مکانی که حضرت موسی به پیامبری رسید؟ یعنی کجا؟ خدا در آیه، ضمن بیان داستان نبوت حضرت موسی می‌فرماید: «وَ مَا کُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِیِّ اِذْ قَضَیْنَا اِلَیْ مُوسٰی الْاَمْرَ وَ مَا کُنْتَ مِنَ الشّٰهِدِیْنَ»؛ «تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوت را به موسی دادیم و تو از شاهدان نبودی.» (قصص / ۴۴)

قرآن در این جا غرب را به یهودیت گره می‌زند؛ همانگونه که در آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی مریم، شرق را به مسیحیت گره زده بود. هر دو در جایی که پیامبر آنها به پیامبری رسیده است.

قسم به حسن و حسین

حالا ببینیم چرا زیتون به معنای حسین است؟ برای فهم معنای زیتون باید به هفت آیه‌ی قرآن دقت و توجه کنیم که یکی از آنها این آیات است: «وَ اَلتِّیْنِ وَ اَلزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِیْنِیْنِ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْاَمِیْنِ»؛ «قسم به انجیر و زیتون و سوگند به طور سینین و قسم به این شهر امن [مکه].» (تین / ۱-۳)

امام صادق فرمود: «اَلتِّیْنِ وَ اَلزَّیْتُونِ، امام حسن و امام حسین می‌باشند و طُورِ سِیْنِیْنِ، امام علی بن ابی طالب است.» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۰۵)

طور سینا چه ربطی به امیرالمؤمنین دارد؟

امیرالمؤمنین نماد کلام است.

خدا با هر پیامبری که سخن گفته و صوت ایجاد شده با صدای امیرالمؤمنین بوده است. حضرت موسی در کوه سینا صدای امام علی را می شنید. در شب معراج نیز خدا با صدای امیرالمؤمنین با پیامبر صحبت کرد؛ همچنین در یکی از بطون تفسیری این آیه، امام رضا می فرماید: «التین، رسول خدا است و الزيتون، امیرمؤمنان علی است.» (بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۹۰)

چرا تین امام حسن و زیتون امام حسین است؟ برای فهم این هم باید به آیات الهی که نازل شده [کتاب مقدس] رجوع کنیم؛ زیرا این دو کلمه از قدیم در کتاب مقدس معنادار بوده است؛ یعنی یهودیان و مسیحیان این آیه را بهتر از اعراب درک می کردند.

تین (انجیر) نماد تکثیر از سمت دختر است و زیتون نماد تکثیر از سمت پسر.

نسل پیامبر از طریق دخترشان و نسل امام علی از سمت پسرانشان ادامه پیدا کرد به همین دلیل فرمود: «تین، پیامبر و زیتون، حضرت علی است.» نسل امام حسن هم از سمت دخترشان ادامه پیدا می کند و نسل امام حسین از سمت پسرشان.

معنای انجیر و زیتون در تورات

در نگاه دیگر تین نماد حضرت عیسی و مسیحیت است. یهودیان که نسب آنها از سمت مادری منتقل می شود، می گفتند پیامبری در نسل ما ادامه دارد، خدا هم در کتاب مقدس بارها با استفاده از تین و زیتون با آنها صحبت کرده است که در ادامه به برخی اشاره خواهیم کرد. گفتیم زیتون نماد ادامه ی نسل است. به این آیات کتاب مقدس توجه کنید، پیدایش، ۱۱/۸: «و در وقت عصر کبوتر نزد وی (نوح) بازگشت و اکنون برگ زیتون تازه در منقار وی است؛ پس نوح دانست که آب از روی زمین کم شده است در اینجا نماد اینکه نسل بشر با پیاده شدن از کشتی سالم می ماند (به خاطر فرو نشستن آب) زیتون است.» در کتاب «ارمیا نبی» فصل ۲۴ نیز در رویای ارمیا، انجیر نماد مردم است. انجیل متی: «صبح روز بعد وقتی عیسی باز می گشت، گرسنه شد. کنار جاده، درخت انجیری دید. جلو رفت تا میوه ای از آن بچیند؛ اما جز برگ چیزی بر درخت نیافت؛ پس گفت: "دیگر هرگز از تو میوه ای عمل نباید (درخت را نفرین کرد)" بلافاصله درخت خشکید. شاگردان حیرت کردند و گفتند: "چه زود درخت خشک شد." انجیل لوقا: «در همین وقت به عیسی اطلاع دادند که بیلاتوس عده ای از زائران جلیلی را به هنگام قربانی در خانه ی خدا قتل عام کرده است. عیسی با شنیدن این خبر فرمود...؛ سپس این داستان را بیان فرمود:

"شخصی در باغ خود درخت انجیری کاشت؛ اما هر بار که به آن سر می‌زد، می‌دید که میوه‌ای نیاورده است. سرانجام صبرش به پایان رسید و به باغبان خود گفت: "این درخت را بُر؛ زیرا سه سال انتظار کشیدم و هنوز یک دانه انجیر هم نداده است، نگه داشتنش چه فایده‌ای دارد..."

باغبان جواب داد: "بگذارید یک سال دیگر هم بماند تا از آن به خوبی مراقبت کنم و کود زیاد به آن دهم؛ اگر میوه داد که چه بهتر، اگر نداد آنگاه آن را خواهم برید" پس تین نماد قطع شدن و توقف نسل از تکثیر است. خود حضرت عیسی، مسیحیت را به درخت انجیری که میوه نمی‌دهد، تشبیه کرده است. حضرت عیسی با ذکر این داستان به آنها فهماند که فقط یک سال دیگر برای هدایت شدن مهلت دارید. چرا حضرت درخت دیگری را نفرمود؟ زیرا درخت انجیر نماد اینهاست. برای همین عمداً درخت انجیر را در مقابل چشم آنان خشک کرد، می‌خواست به آنها بگوید آن شاخه از ابراهیم که میوه ندهد، همان بهتر که خشک شود و بدانید که شاخه‌ی دیگری خواهد آمد. حضرت عیسی آمد تا این پیام را به یهودیان بدهد. «و هذا البلد الامین» نیز مربوط به استجابات یکی دیگر از دعا‌های حضرت ابراهیم است که فرمود: «وَ اِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ اَمِنًا»؛ «(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا این شهر [مکه] را شهر امنی قرار ده» (ابراهیم / ۳۵)

یک نگاه دیگر هم در مورد تین و زیتون وجود دارد. تین نماد حضرت آدم است و زیتون نماد حضرت نوح؛ یعنی دو عصر اصلی زندگی بشر. بشر یک بار در زمین حاکم شد؛ سپس طوفان نوح آمد و نسل بشر کافر نابود شد و دوباره نسل ادامه پیدا کرد.

شادی پیامبر هنگام نزول سوره‌ی تین

آنس گوید: «وقتی سوره‌ی تین بر رسول خدا نازل شد، آن حضرت بسیار شاد و خوشحال شد، به گونه‌ای که همه‌ی ما اصحاب، شادی و خوشحالی آن حضرت را مشاهده کردیم. از ابن عباس درباره‌ی علت سرور و شادی نبی و تفسیر سوره‌ی تین سؤال کردم. ابن عباس بیان کرد: "والتین یعنی سرزمین شام، الزیتون یعنی سرزمین فلسطین"» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۸، ص ۲۱۰)

یعنی اول باید مسئله‌ی شام را حل کنیم تا بتوانیم به فلسطین برسیم

و آن اتفاق آخرالزمانی را رقم بزنیم

همین هم شد. امروز شام (سوریه) در اختیار جبهه‌ی حق است، حالا باید فلسطین را به دست بیاوریم تا حضرت بتواند در بلدِ امین (مکه) بر کعبه تکیه بزند و اعلام ظهور کند تا جهان متحول

شود. همه‌ی این بخش را ذیل این دعای حضرت ابراهیم که فرمود: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِنِي بِالصَّالِحِينَ» گفتیم؛

زیرا صالحین به صورت ویژه یعنی اهل بیت.

در زیارت وارث نیز ابتدا به همین پیامبرانی که داستان آنها در زیارت ندبه ذکر می‌شود، سلام می‌دهیم تا به امام حسین می‌رسیم. این نیز تأکیدی بر این امر است اینکه نسل انبیاء و مأموریت آنها از طریق امام حسین و نسل ایشان ادامه پیدا می‌کند. در جلسه‌ی آینده به شرح این فراز خواهیم پرداخت، «وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِّمًا وَ جَعَلَتْ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِذَاءً وَ وَزِيرًا»؛ «و با بعضی از میان درخت سخن گفتی، سخن گفتنی ویژه و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی.» در پایان این جلسه به ذکر این روایت بسنده می‌کنیم، امام صادق فرمود: «خداوند با حضرت موسی جز در مورد ولایت علی هیچ سخنی نگفت.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۲۶)

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه شانزدهم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، مهر ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران @Mahdiaran